



عقد ازدواج، مهریه و دوران عقد

عقد، مهریه و گذراندن دوران عقد، سه موضوع مهمی است که زن و شوهر با آگاهی نسبت به هرکدام و همچنین اطلاع از پیام‌های الهی درباره آنها می‌توانند زندگی شیرین و خاطره انگیزی را برای خود رقم بزنند.

عقد، مهریه و گذراندن دوران عقد، سه موضوع مهمی است که زن و شوهر با آگاهی نسبت به هرکدام و همچنین اطلاع از پیام‌های الهی درباره آنها می‌توانند زندگی شیرین و خاطره انگیزی را برای خود رقم بزنند.

به گزارش خبرگزاری رسا، «عقد» به معنای گره زدن و محکم کردن است و با عقد ازدواج، یک زن و مرد سرنوشتشان به هم گره می‌خورد. اگر دو نفر در یک ساختمان زندگی کنند، سرنوشتشان گره خورده نیست، عزت‌ها، ذلت‌ها، کمالات و افتخارات یکی به دیگری سرایت نمی‌کند؛ ولی در عقد ازدواج، همه این‌ها به دو طرف عقد سرایت می‌کند. زن و شوهر نه تنها در دنیا، بلکه اگر هر دو بهشت بروند، در بهشت الهی نیز این گره خوردن ادامه دارد و آن‌جا نیز زن و شوهر هستند.

حضرت امام صادق(ع) می‌فرماید: هرگاه محاسبه و حساب رسی مؤمن در قیامت شروع شود، همسر یا همسرانش در جلو درب بهشت منتظر او می‌مانند؛ همان‌گونه که در دنیا جلو درب خانه به انتظار آمدنش می‌مانند، سپس فرستاده‌ای از سوی خداوند می‌آید و آن‌ها را بشارت می‌دهد که به خدا قسم فلانی حسابش تمام شد، آن‌ها می‌گویند: آیا به خداوند چنین است؟ [حسابش تمام شد؟] پس آن فرستاده می‌گوید: به خدا قسم مشاهده کردم که او حسابش خاتمه یافت و وقتی آن مؤمن به آنان می‌رسد می‌گویند: خوش آمدی درود بر تو، تو شایستگی داشتی، تو که در دنیا با ما بودی در اینجا نیز شایسته‌تر از تو برای ما وجود ندارد. (1)

عواملی که در صحت عقد ازدواج معتبر است

- 1) عقد ازدواج باید دارای ایجاب و قبول باشد.
- 2) ایجاب به وسیله زوج(یا وکیل او) و قبول، به وسیله زوج(یا وکیل او) صورت گیرد.
- 3) ایجاب و قبول باید لفظی باشد؛ بنابراین تنها رضایت قلبی دو طرف، یا به صورت نوشتن، یا اشاره کافی(به غیر از انسان لال) نیست.
- 4) احتیاط لازم آن است که ایجاب و قبول به لفظ عربی باشد و این که در صورت عجز از عربی و با قدرت گرفتن وکیل برای اجرای صیغه عقد(به عربی)، آیا می‌توان به غیر عربی خواند یا نه، اختلاف است. بعضی از فقها گفته‌اند: جایز است، ولی باید با عبارانی خوانده شود که معنای آن، همان معنای لفظ عربی باشد، به صورتی که ترجمه آن محسوب شود.
- 5) بنا بر احتیاط واجب، در عقد دائم باید لفظ «أَنْكِحْتُ» یا «زَوَّجْتُ» به کار رود و قبول هم به لفظ «قَبِلْتُ» باشد.
- 6) باید صیغه عقد به عربی صحیح خوانده شود؛ بنابراین اگر تغییر دهنده معنی باشد، کفایت نمی‌کند.
- 7) قصد کردن مضمون عقد، متوقف بر فهم معنای دو لفظ «أَنْكِحْتُ» و «زَوَّجْتُ» است؛ گرچه به صورت اجمالی باشد. به جهت این که تنها لقلقه زبان نباشد.
- 8) میان ایجاب و قبول، موالات(فاصله نیفتادن زیاد) معتبر است.
- 9) در صحت عقد، تنجیز(قطعی بودن) معتبر است؛ بنابراین، هرگاه عقد را بر شرحی و یا زمانی معلق کنند، باطل است؛ مگر این که بر چیزی معلق شود که وجود دارد و در این صورت بعید نیست صحیح باشد.
- 10) عقد کننده، باید بالغ، عاقل و دارای قصد باشد؛ چه صیغه عقد را برای خودش و چه برای دیگری بخواند.
- 11) در صحت عقد، تعیین دو زوج به صورتی که از غیر جدا گردند، شرط است؛ چه تعیین به اسم یا به وصف و یا به اشاره باشد.
- 12) در صحت عقد، اختیار دو زوج معتبر است؛ بنابراین، هرگاه عقد با عدم رضایت آن دو با یکی از آنها واقع شود، باطل است؛ مگر در صورتی که پس از عقد راضی شوند. البته به فتوای بعضی از فقها اگر عقد به دستور پدر یا جد پدری برای کفو شرعی دختر انجام شود، احتیاط آن است که یا دختر رضایت بدهد و یا داماد او را طلاق دهد و در غیر این صورت دختر نمی‌تواند با دیگری ازدواج کند.

مستحبات و آداب عقد

- 1) مستحب است در عقد دائم افرادی شاهد عقد باشند و عقد، آشکارا و علنی انجام گیرد.
- پیامبر گرامی اسلام (ص): «أَظْهَرُوا النِّكَاحَ وَ أَخْفُوا الْخِطْبَةَ؛ عقد ازدواج را آشکارا و خواستگاری را پنهانی انجام دهید» (2)
- پیامبر اکرم (ص): «أَعْلِنُوا هَذَا النِّكَاحَ وَ اجْعَلُوهُ فِي الْمَسَاجِدِ؛ عقد ازدواج را آشکار کنید و آن را در مساجد قرار دهید» (3)
- 2) مستحب است قبل از اجرای عقد دو رکعت نماز بخوانند. (4)
- 3) مستحب است قبل از خواندن عقد، خطبه‌ای بخوانند که مشتمل بر حمد خداوند، شهادتین، صلوات بر پیامبر و امامان معصوم(ع)، وصیت به تقوا و دعا برای دو همسر باشد. بعید نیست که همین عمل در مجلس خواستگاری و قبل از خواستگاری نیز مستحب باشد.
- 4) عقد ازدواج در شب خوانده شود. (5)

مکروهات عقد ازدواج

- 1) مکروه است عقد ازدواج در زمانی واقع شود که ماه در برج عقرب است. (6)
- حضرت صادق(ع) می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً وَ الْقَمَرُ فِي الْعَقْرِ يَلَمُّ يَرَّ الْحُسْنَى؛ هر کس عقد ازدواجش در زمانی واقع شود که ماه، در برج

عقرب است، در زندگی خوشی نخواهد دید. (7)

در هر ماه قمری، تقریباً کمتر از سه روز پیاپی، ماه در برج عقرب قرار می گیرد که روزهایش در ماه ها و فصل های سال در ایام مختلفی است که همه ساله در بعضی از تقویم ها مشخص می شود. (8)

(2) خواندن عقد در روز چهارشنبه مکروه است.

(3) خواندن عقد در سه شب آخر ماه قمری مکروه است.

(4) خواندن عقد در روزهای سوم، پنجم، سیزدهم، شانزدهم، بیست و یکم، بیست و چهارم و بیست و پنجم هر ماه مکروه است. (9)

(5) خواندن عقد در وسط روزی که هوا گرم باشد مکروه است. (10)

شخصی به نام ضریس می گوید: به امام باقر(ع) خبر دادند که مردی در وسط روز که هوا گرم بوده، عقد ازدواج را انجام داده است؛ حضرت فرمودند: در زندگی به توافق نخواهند رسید و پس از مدتی از هم جدا شدند. (11)

مهریه

در مهریه چند بحث است که در زیر بیان می شود:

الف) مهریه چیست؟

مهریه، یک هدیه، پیشکش و شیرینی است که باید از جانب مرد به همسرش تقدیم گردد؛ در برابر این که زن اجازه داده از راه شرعی به همسری او در آید. (12)

ب) چرا به زن مهریه داده می شود؟

بی شک تمام احکام الهی دارای حکمت و مصلحت است اگرچه همه ملاک ها و اهداف آن ها برای ما روشن نیست، ولی ممکن است بعضی از حکمت های این حکم(مهریه) به شرح زیر باشد:

(1) مهریه یک نوع احترام و حرمت قائل شدن برای زن می باشد که چیزی به اون به عنوان هدیه و شیرینی داده میشود.

(2) مالی در اختیارش باشد که از استقلال مای برخوردار شود و در هنگام نیاز امال خودش استفاده نماید.

(3) در نزد بستگانش به خوبی از او یاد کنند.

(4) از عنوان خرید و فروش و برده داری که کسی را از صاحبش می خریدند و به او پول یا چیز دیگر می دادند خارج شود که پول یا چیزی دیگر به خود او هدیه می شود. (13)

ج) چه چیزهایی را میتوان به عنوان مهریه قرار داد؟

آن چه را مسلمان مالک می شود، صحیح است مهریه قرار داده شود؛ چه عین مال باشد و یا دین و یا منفعت عین مملوکی از قبیل خانه یا مزرعه یا حیوان و هم چنین صحیح است که منفعت شخص آزادی، مهریه قرار داده شود؛ مانند تعلیم صنعت و مانند آن از هر عمل حلالی، بلکه ظاهر آن است که حق مال قابل نقل و انتقال مثل حق تحجیر(14) و مانند آن صحیح است مهریه قرار داده شود. (15)

د) انواع مهریه

(1) مهرالتفیض: مقدار مهریه ای است که از عروس و داماد به واسطه واگذارن به دیگری تعیین می کند. (16)

(2) مهر المسمی: مقدار مهریه ای است که مورد توافق و رضایت عروس و داماد قرار می گیرد و در متن عقد ذکر می شود.

(3) مهرالمثل: مقدار مهریه ای است که برای زنان مثل هم، یعنی هم شأن، معمول است؛ بنابراین احوط آن است که ملاحظه حال زن و صفات او از سن، بکارت، نجابت، عفت، عقل، ادب، شرف، جمال، کمال و اعداد این ها بشود؛ بلکه هر چه عرفاً و به طور عادی در بالا بدن مهریه و فقصان آن مؤثر است ملاحظه شود و هم چنین باید خویشان، فامیل، شهر آن زن و غیر این ها نیز در مهریه ملاحظه شود. (17)

(4) مهرالسنة: مقدار پانصد درهم(نقره)(18) و مقدار مهریه ای است که پیامبر(ص) برای همسران و دخترش قرارداده است.

ه) مقدار مهرالمسمی

مهریه اندازه معینی ندارد و به هر مقدار که دو همسر توافق کنند، صحیح است؛ زیاد باشد یا کم. البته نباید آن قدر کم باشد که از مالیت خارج شود؛ از جهت زیادی هم، مستحب است از مهرالسنة که پانصد درهم است، بیشتر نباشد. (19)

و) چرا مهرالسنة پانصد درهم قرار داده شده است؟

حسین بن خالد می گوید: «از امام رضا(ع) پرسیدم: چرا مهرالسنة پانصد درهم نقره گردیده است؟ در پاسخ فرمودند: خداوند بر خود واجب کرده که اگر انسان با ایمان، صد بار «الله اکبر» و صد بار «سبحان الله» و صد بار «الحمد لله» و صد بار «لا اله الا الله» بگوید و صد بار بر محمد و آلش «صلوات» بفرستد سپس عرض کند: خدایا مرا حورالعین تزویج کن که حتماً خداوند حورالعین را(در آخرت) همسر او می گرداند و همین ذکرها(که جمعا پانصد بار می شود) مهریه آن حورالعین است؛ سپس خداوند به پیامبرش وحی کرد که مهریه زن های با ایمان را پانصد درهم سنت کن. رسول خدا(ص) همین مقدار را برای مهریه سنت نمود، سپس فرمودند: هر شخص با ایمانی که از دختر برادر دینی اش خواستگاری کند و پانصد درهم(به عنوان مهریه) بذل نماید، ولی آن برادر دینی جواب رد بدهد(این مبلغ را کم بشمرد)، پس با خواستگار بد رفتاری و نامهربانی نموده است و از طرف خداوند سزاوار می گردد که خدا او را حورالعین(در آخرت) تزویج کند. (20)

ز) مقدار مهر السنة به قیمت روز

سؤال: مهرالسنة که پانصد درهم می باشد، یک درهم آن معادله چند گرم می باشد؟ پاسخ: هر درهم حدود 2/5 گرم می باشد؛ بنابراین پانصد درهم در حدود 1250 گرم می شود به طور تقریب. (21)

سؤال: چون دهم سکه دار در این زمان وجود ندارد، آیا مبنای قیمت مهرالسنة نرخ نقره عمومی می باشد؟ پاسخ: در شرایطی که دهم سکه دار وجود ندارد، باید فرض را بر این بگیریم که اگر نقره موجود سکه دار و رایج بود، چه اندازه قیمت آن افزوده می شود، اضافه قیمت را به طور تقریبی حساب کنیم و بر آن بیافزاییم و از آن جا که این حکم یک حکم استحبابی است، محاسبات تقریبی در آن ضرر

ندارد. (22)

ط) تعیین مهریه با کیست؟

سؤال: آیا در تعیین مقدار مهریه توافق دختر و پسر کافی است یا آنکه والدین آنها هم اعمال نظر دارند؟ پاسخ: بستگی به توافق دختر و پسر دارد. (23)

چند نکته مهم

1) مهریه، دادنی و گرفتنی است و این که می گویند چه کسی داده و چه کسی گرفته، حرف درستی نیست و چون چنین است، باید از اول با این اعتقاد، مبلغی قرار داده شود که مرد توان پرداخت آن را داشته باشد.

2) با توجه با مطالب قبل، زیاد قرار دادن مهریه، آثار سوئی ایجاد خواهد کرد که یکی از آن ها کم شدن محبت است.

حضرت علی(ع) می فرمایند: «لا تفالوا بمهور النساء فتکون عداوة؛ مهریه زن ها را زیاد نکنید؛ زیرا این عمل ایجاد دشمنی می کند.» (24) پیامبر مکرم اسلام(ص) می فرمایند: «تیا سروا قی الصداق، فان الرجل ليعطى المرأة حتى يبقی ذلک فی نفسه علیها حسیکه؛ در مورد مهریه سخت گیری نکنید و آسان بگیرید؛ زیرا در صورت سخت گیری مرد می پردازد، ولی این عمل در او غضب و کینه ایجاد می کند.» (25)

3) هر چه مهریه کمتر خواسته شود، مرد احساس می کند که حال او را بیشتر رعایت کرده اند و این عمل، محبت بیشتری ایجاد خواهد نمود. لذا دین مقدس اسلام، کم قرار دادن مهریه را مستحب دانسته و به آن سفارش فرموده است. (26)

4) برای ایجاد محبت بیشتر، بهتر است طرف عروس، مهریه را کم قرار دهد و افزودن از طرف داماد باشد. (27) به عکس عملکرد ما که معمولاً طرف عروس زیاد می گویند و طرف داماد چانه می زنند.

5) برای گرم کردن کانون خانواده و محبت بیشتر، اولیای اسلام به زن سفارش کرده اند که پس از تثبیت مهریه آن را به شوهر ببخشد. پیامبر گرامی اسلام(ص) می فرمایند: «هر زنی که مهریه اش را به همسرش بعد از عقد و قبل از نزدیکی ببخشد، خداوند متعال در عوض هر دینارش پاداش یک بنده آزاد کردن را می نویسد. سوال کردند: ای رسول خدا! اگر بعد از نزدیکی ببخشد چگونه است؟ حضرت فرمودند: این عمل نشانه عمق صفا و محبت است.» (28)

6) دین مقدس اسلام، ضمانت اجرایی، ایجاد صفا، محبت، شاده و خوشی در خانواده را داشتن دین، اخلاق و معیارهایی می داند که قبلاً یادآوری شد و مهریه را نشانه ای از صدق و صفا و محبت می داند؛ ولی متأسفانه در جامعه ما، بعضی با زیاد کردن مهریه می خواهند آن را ضامن اجرای آن مسائلی قرار دهند که طبیعی است موفق نشده اند و نخواهند شد.

بارها دیده شده که وقتی شخص دین ندارد، آن قدر در زندگی به همسرش بدی می کند و فشار می آورد که نه تنها مهریه سنگین را می بخشد، بلکه حاضر است برای نجات جان خود، چیزی هم دستی بپردازد.

7) در مورد کسانی که نسبت به مهریه همسرشان ظلم روا می دارند پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «هر کس نسبت به مهریه همسرش ظلم روا بدارد، در نزد خداوند جزو افراد زنا کننده محسوب می شود و خداوند به او می فرماید: بنده من! کنیزم را با شریعتم به تو تزویج نمودم و تو به عهده وفا نکردی، پس خود خداوند شخصاً عهده دار گرفتن حق زن می شود؛ پس حق زن همه حسنات مرد را فرا می گیرد؛ تا جایی که هنوز حقش کاملاً استیفا نشده است؛ پس امر می شود که شوهر را به آتش اندازند.» (29)

دوران عقد

روابط زناشویی در دوران عقد

از دیدگاه شرع مقدس و بر اساس فتاوی مراجع تقلید، با خواندن عقد دائم، هر گونه رابطه و لذتی برای دختر و پسر حلال می شود؛ ولی بهتر است آن مقدار از روابط که عرفاً و طبق رسوم به بعد از عروسی موکول شده، رعایت شود. (30)

یکی از فواید دوران عقد همین است که بر دوش زوج جوان، تعهد نمی آید؛ اما نیازهایش در همان حد عرف برآورده می شود؛ گر چه متأسفانه برخی از والدین و خانم های جوان مانع از روابط زناشویی در همان حد عرفی دوران عقد می شوند که کار پسندیده ای نیست.

یکی از راهکارهای ایجاد آرامش روانی زوج جوان که بر اساس آیات شریف قرآن کریم(لتشکنوا الیها) (31) فلسفه ازدواج به شمار می رود، رفع غرایز آنان است.

امام صادق(ع) می فرمایند: «النشرة فی عشرة اشیاء...» (32)

انبساط روح، یعنی نشاط و آرامش روانی در ده چیز است که یکی از آنها همین رفع غرایز است؛ البته ممکن است حجب و حیای دختر باعث شود تا مدتی پس از عقد نتواند به راحتی با همسرش ارتباط برقرار کند؛ اما نباید طولانی شود.

مرد هم باید با ارتباط های عاطفی به همسر خود فرصت دهد و چند روزی را با گفت و گو و ناز و نوازش سپری کند تا به تدریج این آمادگی ایجاد شود.

میزان رابطه عاطفی در دوران عقد

ارتباط کم، در خانم دلسردی و ارتباط زیاد، در آقا دلزدگی ایجاد می کند. پس افراط و تفریط در رفت و آمد دوران عقد، خوب نیست و ممکن است در محبت زوج جوان اثر منفی بگذارد. افزون بر اینکه معاشرت زیاد به منزل پدری خانم، مشکلاتی را هم برای خانواده دختر پدید می آورد. خانم ها به دلیل شدت عواطف و عشق ورزیدن، دوست دارند در دوران عقد هم دائم کنار همسرشان باشند. عشق در خانم ها، بی انقطاع و ممتد است. زن وقتی عشق می ورزد، عمق زیادی از رضایت و موفقیت را در خود احساس می کند؛ اما این نباید باعث شود در دیدارها زیاده روی کند. پس خانم ها باید به همسرشان فرصت دلتنگ شدن بدهند.

اظهار محبت افراطی زن و شوهر

اظهار عشق در دوران عقد به طور معمول بیشتر است؛ اما نباید به افراط کشیده شود. باید بکوشیم در جای جای زندگی تعادل داشته

باشیم. خداوند ما را امت متعادل قرار داده است. «و کذلک جعلناکم أمة وسطا» (33) زن یا مرد نباید در ابراز محبت زیاده روی کنند؛ بلکه این اظهار عشق باید حد معقول و منطقی باشد و باید هر یک از آنها به همسر خویش فرصت دل‌تنگ شدن بدهد. در ضمن، این روند بعد از عقد افت جدی خواهد کرد و اگر در این دوران زیاده روی شود، آن سیر نزولی نگران کننده خواهد بود؛ غذا خوردن در ظرف مشترک نمونه ای از این محبت افراطی است.

راهکارهای استمرار محبت

عشق و محبت در زندگی به صورت غریزی ایجاد می شود؛ ولی فقط یک جرعه است و باید تقویت شود و گرنه مانند گلی که به آن آب ندهند، پس از مدتی پژمرده خواهد شد. برای استمرار این مودت و سرد نشدن رابطه ها، برخورد زن و مرد باید سنجیده و حساب شده باشد و این امر به اطلاعات نیاز دارد. این آگاهی را با مطالعه کتاب های مناسب در زمینه زناشویی، شرکت در جلسه های آموزش خانواده و استفاده از برنامه های آموزشی در رسانه باید آموخت.

این موارد و مشابه آن، افراد را با ویژگی های شخصیتی زن یا مرد آشنا می سازند؛ افزون بر دانستن ویژگی های شخصیتی زن و مرد، باید با خصوصیات شخصی همسران نیز آشنا شوید؛ برای مثال، موضوع حساسیت های او را بیابید، سلیقه های شخصی اش را زودتر بشناسید، مدتی یک دیگر را با احتیاط محک بزنید تا حساسیت های همدیگر را دریابید. برای تسریع در این شناخت می توانید از همسر یا نزدیکان او بپرسید.

برای محبت ورزی باید صفاتی نظیر تکبر، خود بزرگ بینی، خودخواهی، انحصار طلبی و زیاده خواهی را از خود دور کنید؛ چون عشق ورزی با این خصلت ها ممکن نیست.

ایجاد محبت با هدیه دادن

هدیه دادن به همسر در دوران عقد، تاثیر بسیار مثبتی دارد؛ به ویژه که خانم ها به هدیه گرفتن خیلی علاقه دارند و علت آن هم، پیام عشق و محبتی است که در این اقدام مبارک وجود دارد؛ به همین دلیل، بعد معنوی هدیه، از بعد مادی آن برای ایشان مهم تر است؛ بنابراین این به آقایان توصیه می شود به مناسبت هایی مانند: سالروز تولد، سالگرد ازدواج، ایام ولادت امامان و اعیاد، به ویژه در دوران عقد، هدیه ای هر چند کوچک به همسرشان تقدیم کنند؛ البته لازم است خانم ها هم گاهی به همسرشان هدیه دهند؛ هر چند شاخه گلی سرخ که نماد عشق است یا صورتی که نشان دهنده حیات است. هدیه دادن آثار ارزشمندی دارد؛ از جمله محبت و عشق می آورد و آن را پایدار می سازد؛ "الهدیه تورث المودة" (34)، کینه ها و دلگیری ها را از بین می برد؛ "نهم الشئ الهدیه تذهب الضغائن من الصدور" (35) و عفت زن را افزایش می دهد؛ "هبة الرجل لزوجه تزيد في عفتها". (36)

حجت الاسلام میلاد آخوندی

9462/703/ر

منابع:

- 1- بحارالانوار، ج 8، ص 197
- 2- میزان الحکمة، ج 2، ص 293
- 3- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 2، ص 1193
- 4- جامع عباسی، ص 265
- 5- العروة الوثقی، ج 2، کتاب النکاح، مسأله 5
- 6- العروة الوثقی، ج 2، کتاب النکاح، مسأله 6
- 7- وسائل الشیعه، ج 20، ص 114
- 8- مرآة الکمال، ج 2، ص 82
- 9- العروة الوثقی، ج 2، کتاب النکاح، مسأله 6
- 10- مرآة النکاح، ج 2، ص 82
- 11- وسائل الشیعه، ج 20، ص 93
- 12- مصطلحات الفقه، ص 525
- 13- مصطلحات الفقه، ص 525
- 14- حق تحجیر: شروع در احیاء (زمین) از قبیل سنگ چیدن اطراف آن یا کندن چاه و غیره
- 15- تحریرالوسیله، ج 2، کتاب النکاح فصل فی المهر، مسأله 1
- 16- تحریرالوسیله، ج 2، کتاب النکاح فصل فی المهر، مسأله 12
- 17- تحریرالوسیله، ج 2، کتاب النکاح فصل فی المهر، مسأله 16
- 18- بحارالانوار، ج 103، ص 348
- 19- تحریرالوسیله، ج 2، کتاب النکاح فصل فی المهر، مسأله 1
- 20- الکافی، ج 5، ص 376
- 21- استفتائات جدید، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، ج 1، سؤال 739
- 22- استفتائات جدید، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، ج 1، سؤال 739
- 23- استفتائات حضرت امام (ره) ج 3، سؤال 25
- 24- وسائل الشیعه، ج 21، ص 252

- 25- میزان الحکمة، ج4، ص 279
- 26- المروة الوثقی، ج2، فی مستحبات النکاح، مساله 17
- 27- سوره قصص، آیه 26
- 28- مستدرک الوسائل، ج15، ص 81
- 29- بحار النوار، ج7، ص 214
- 30- احکام ازدواج، ص50، سید مجتبی حسینی
- 31- سوره روم، آیه 21
- 32- وسائل الشیعه، ج2، ص 11
- 33- سوره مبارکه البقرة آیه 143
- 34- بحار الانوار، ج74، ص 166
- 35- بحار الانوار، ج75، ص 45
- 36- من لا یحضره الفقیه، ج4، ص 381